

وقتشه بلند شو!

ملیندا گیتس

امین کیان

www.ketab.ir

جهان
نشریات



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

- سرشناسه : گیتس، ملیندا، ۱۹۶۴ م. —————
Gates, Melinda, 1964- —————
- عنوان و نام پدیدآور: وقتشه بلند شو! / مولیت ملیندا گیتس. ترجمه امین کیان. —————
مشخصات نشر: تهران: نشر مات، ۱۳۹۸. —————
مشخصات ظاهری: ۳۰۰ ص. —————
شابک: 978-622-6594-14-1 —————
- وضعیت فهرست نویسی: فیبا —————
یادداشت: عنوان اصلی: The moment of lift : how emp. we. women changes the world. 2019. —————
- موضوع: فمینیسم —————
موضوع: Feminism —————
موضوع: زنان -- وضع اجتماعی —————
موضوع: Women -- Social conditions —————
موضوع: زنان -- وضع اقتصادی —————
موضوع: Women -- Economic conditions —————
موضوع: برابری —————
موضوع: Equality —————
- شناسه افزوده: کیان، امین، ۱۳۶۶ م. مترجم —————
۱۱۵۵HQ ————— رده بندی کنگره:
۳۰۵/۴۲ ————— رده بندی دیویی:
۵۷۲۵۲۹۹ ————— شماره کتابشناسی ملی:

نشریات مات

نام کتاب:	وفاقیہ بلند شو!
موضوع:	ملیندا گیتس
مترجم:	امین کیان
ویراستار:	مونا اسدپانی
طراح جلد:	حمید اقصی رذلی
چاپ و صحافی:	چاپ نقطه
چاپ / شمارگان:	اول - آذرماه ۱۳۹۸ / ۱۰ نسخه
شابک:	۷۸-۶۲۲-۶۵۹۴-۱۴-۱

کلیه حقوق این اثر برای نشر مات محفوظ است.

ارتباط با نشر مات: ۶۶۹۷۳۸۴۹ - ۰۲۱

www.NashreMaat.ir - @NashreMaat

هرگونه کپی برداری، برداشت و
اقتباس از تمام یا قسمتی از این اثر،
منوط به اجازه کتبی ناشر می باشد.

آدرس: تهران، خیابان فخررازی، بن بست فاتحی داریان، پلاک ۱۰، طبقه اول

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

فهرست

مقدمه	۹
فصل اول: اعتلای یک اندیشه بزرگ	۱۳
فصل دوم: توانمندسازی مادران	۴۰
فصل سوم: همسایه‌های خوب	۶۷
فصل چهارم: سربلندشان کن	۱۰۶
فصل پنجم: نابرابری پنهان	۱۳۶
فصل ششم: وقتی دختر حق اظهار نظر کردن ندارد	۱۷۶
فصل هفتم: رویتِ تعصب جنسیتی	۲۰۲
فصل هشتم: خلق یک فرهنگ جدید	۲۲۹
فصل نهم: بگذار قلبت بشکند	۲۷۲
سخن آخر	۲۹۲
تشکر و قدردانی	۲۹۵

مقدمه

زمانی که بچه بودم، پرتاب یک فضاپیما به کهکشان اتفاق بزرگی در زندگی من به شمار می‌آمد. من در شهر دالاس^۱، ایالت تگزاس^۲، در خانواده‌ای کاتولیک دارای چهار فرزند، مادری خانه‌دار و پدری که مهندس هوافضا بود و در پروژه فضایی آپولو^۳ فعالیت می‌کرد، بزرگ شدم.

در روز پرتاب فضاپیما ما همگی سوار ماشین شدیم و به خانه یکی از دوستان پدرم - که او هم یکی از مهندسیں پروژه آپولو بود - رفتیم و به اتفاق فیلم پرتاب فضاپیما را دیدیم. هنوز هم می‌توانم هیجان لحظات شش معکوس را با تمام وجودم احساس کنم. «بیست ثانیه و شمارش آغاز می‌شد، کم‌کم بازده ثانیه، آماده پرتاب، دوازده، یازده، ده، نه، موتور روشن، شش، پنج، چهار، سه، دو، یک، صفر. تمامی موتورهای آماده پرواز، شلیک! پرتاب با موفقیت انجام شد!»

آن لحظه‌ها همیشه برای من هیجان‌انگیز بود؛ به‌ویژه لحظه پرتاب که موتورهای روشن می‌شوند، زمین می‌لرزد و موشک شلیک می‌شود. اخیراً در کتابم از «مارک نپو»^۴، یکی از نویسندگان معنوی مورد علاقه من، به‌طور اتفاقی با عبارت «لحظه برخاستن» راجه شدم. او از این واژه‌ها برای به تصویر کشیدن لحظه حضور پروردگار در زندگی و دریافت رحمت او استفاده می‌کند. او اینگونه می‌نویسد: «چیزی همانند یک روسری در دست باد

1. Dallas

2. Texas

3. Apollo Program

4. Mark Nepo

برافراشته شد» او پس از نوشتن این جملات حزن و اندوهش فرونشست و به خداوند نزدیک‌تر شد.

تصور مارک از برخاستن مملو از شگفتی است و شگفتی برای من دو معنا دارد: حیرت و کنجکاوی. من پر از حیرتم و به همان اندازه مملو از کنجکاوی. می‌خواهم بدانم برخاستن چگونه اتفاق می‌افتد!

کمی اوقات، درحالی‌که همگی سوار یک هواپیما بودیم، در انتهای باند فرودگاه و پس از یک تیک‌آف طولانی، بی‌صبرانه منتظر لحظه برخاستن از زمین می‌شدیم. زمانی که بچه‌ها کوچک بودند و اسوار هواپیما و آماده تیک‌آف بودیم، به آن‌ها می‌گفتم: «چرخ‌ها، چرخ‌ها، چرخ‌ها» و لحظه‌ای که هواپیما از زمین بلند می‌شد، می‌گفتم: «بال‌ها!» وقتی بچه‌ها کمی بزرگ‌تر شدند، آن‌ها به من ملحق شدند و سال‌ها همه باهم این را می‌گفتم. اگرچه گاهی اوقات، ما بشماره‌ها انتظار می‌گفتم «چرخ‌ها، چرخ‌ها، چرخ‌ها» و به این می‌اندیشیدم که چرا بلند شدن از زمین این قدر طول می‌کشد؟

چرا گاهی اوقات این لحظه خیلی طول می‌کشد؟ و چرا گاهی اوقات خیلی زود اتفاق می‌افتد؟ چه چیزی است در ورای لحظه تغییر، که ما را به تسخیر خود درمی‌آورد، آن زمان که نیرویی عظیم به ما قدرت تسلط یافتن و نیروی ویرانگر را می‌دهد و ما از زمین جدا می‌شویم و شروع به پرواز می‌کنیم؟

از آنجا که به مدت بیست سال مشغول سفر کردن به دو دنا بوده‌ام تا به رسالت مؤسسه‌ای که به اتفاق همسر من بیل، تأسیس کرده‌ام عمل کنم، هم چنان این سؤال برایم مطرح است:

«ما چگونه می‌توانیم لحظه برخاستن را برای انسان‌ها - به‌ویژه زنان - به تصویر بکشیم؟ چون هنگامی که زنان به جایگاه والتری دست یابند، جایگاه انسانیت نیز والا‌تر خواهد بود.»

و اینکه چگونه می‌توانیم لحظه برخاستن را در قلب انسان‌ها خلق کنیم، به‌طوری که همه ما بخواهیم به جایگاه و ارزش والای زنان ارج نهیم؟ چون گاهی اوقات تمام آن

چیزی که برای رسیدن این منظور به آن نیاز داریم، دست کشیدن از خوار و خفیف کردن آن‌ها است.

من در سفرهایم حقایق دربارهٔ صدها میلیون زن شنیده‌ام که دلشان می‌خواهد خودشان دربارهٔ بچه‌دار شدنشان و زمان آن تصمیم بگیرند اما نمی‌توانند. آن‌ها به وسایل جلوگیری از بارداری دسترسی ندارند و دیگر حقوق و امنیت‌هایی که زنان و دختران از آن محروم هستند؛ مثل حق تصمیم‌گیری دربارهٔ ازدواج، اینکه آیا ازدواج کنند یا خیر و اینکه - زمان و با چه کسی ازدواج کنند. حق تحصیل و مدرسه رفتن، داشتن درآمد، کار کردن در بیرون از خانه، پیاده‌روی در فضای بیرون از منزل، خرج کردن پول خودشان، داشتن حساب بانکی و درآمدشان، شروع کسب‌وکار، گرفتن وام، مالکیت دارایی، طلاق گرفتن از همسر، زنان به دلیل بزدلی، برخورداری از قدرت سیاسی، دوچرخه‌سواری، رانندگی، رفتن به دانشگاه، تحصیل در رشتهٔ رایانه، پیدا کردن سرمایه‌گذار. این‌ها همه حقوقی هستند که زنان در گوشه‌های از جهان از آن محرومند. گاهی اوقات این قانون است که زنان را از داشتن این حقوق محروم می‌سازد؛ اما حتی زمانی که قانون هم این حقوق را به آن‌ها می‌دهد، باز هم تبعیض‌های فرهنگی موجود علیه زنان، آن‌ها را از داشتن این حقوق محروم می‌سازد.

من سفرم را به عنوان یک حامی اجتماعی و در قالب برنامهٔ تنظیم خانواده آغاز کردم. پس از آن، سخنرانی دربارهٔ دیگر مسائل را نیز شروع کردم. اما - خیلی زود به من گفتند - خیلی زود دریافتم که صحبت کردن دربارهٔ تنظیم خانواده، با بسیاری از مسائلی که پیش‌تر عنوان کردم کافی نیست و متوجه شدم اگر ما می‌خواهیم جایگاهی برابر با جایگاه مردان داشته باشیم، این اتفاق به واسطهٔ رسیدن به حقوق‌مان یکی پس از دیگری یا با فرایندی گام‌به‌گام عملی نخواهد شد؛ ما اگر قدرتمند شویم، خیلی سریع و به یکباره به حقوق‌مان خواهیم رسید.

این‌ها درس‌هایی هستند که من از افراد منحصر به فردی آموخته‌ام که می‌خواهم شما را با آن‌ها آشنا کنم. بعضی‌ها قلب شما را خواهند شکست. بعضی‌ها هم موجب صفای

قلب‌تان خواهند شد. این قهرمانان مدرسه‌ساز بوده‌اند، جان انسان‌ها را نجات داده‌اند، به جنگ پایان داده‌اند، به دختران آزادی داده‌اند و فرهنگ‌ها را تغییر داده‌اند. به اعتقاد من، آن‌ها الهام‌بخش زندگی شما خواهند بود، همان‌طور که الهام‌بخش زندگی من بوده‌اند.

آن‌ها به من نشان داده‌اند وقتی زنان دارای قدرت و اختیار باشند، شرایط چگونه خواهد بود و من از شما می‌خواهم که این تفاوت را ببینید. آن‌ها به من نشان داده‌اند آدم‌ها چگونه می‌توانند اثرگذار باشند و من از شما می‌خواهم نسبت به این موضوع آگاه باشید. به همین خاطر تصمیم به نوشتن این کتاب گرفتم تا داستان آدم‌هایی را با شما به اشتراک بگذارم که به زندگی من، مرد و آرامش بخشیده‌اند. درخواست من از همه این است که راه‌های کمک به رشد و پرورش یکدیگر را دریابیم. موتورهای در حال روشن شدن هستند، زمین در حال لرزیدن است، ما در حال بلند شدن هستیم. ما امروز بیشتر از هر زمان دیگری در گذشته، از دانش و انرژی بینش اخلاقی برای شکافتن انگاره‌های تاریخ برخورداریم. اکنون زمانی است که به کمک یکدیگر می‌توانیم به زن و چه مرد - نیازمند هستیم. هیچ‌کسی نباید نادیده انگاشته شود. همه باید شنیده شوند. دعوت ما در راستای کمک به اعتلای جایگاه زنان است و هنگامی که همه با هم باشیم، ما همان برخاستن هستیم.